تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۳
صفحات: ۹۳-۷۵

رابطه توانمندسازی شهروندان منطقه ۱۸ تهران با مشارکت در مدیریت شهری

داود عباسی کارجگان[1*]
محمود رضا اسدی[2]

چکیده

امروزه توانمندسازی شهروندان به عنوان عامل مؤثری در مشارکت مدیریت شهری بیان می‌شود. بنابراین هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی رابطه توانمندسازی شهروندان با مشارکت در مدیریت شهر و ارایه سازوکارهایی جهت توانمندسازی شهروندان به منظور ترغیب آنها به همکاری بیشتر و مشارکت فعال در مدیریت شهر است.

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و به شیوه توصیفی- پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه و جامعه آماری پژوهش تمامی شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن در منطقه ۱۸ شهرداری تهران، حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۳۸۴ نفر و انتخاب نمونه‌های آماری به شیوه طبقه‌ای تصادفی انجام شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش به دو شیوه توصیفی و استنباطی صورت گرفت؛ نتایج کلی نشان داد که میان توانمندسازی شهروندان و مشارکت در مدیریت شهر رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که میزان توانمندی و مشارکت پایین‌تر از حد متوسط است. با توجه به نتایج به‌دست آمده، اقدام در جهت توانمندسازی شهروندان و ارتقای مشارکت شهروندی ضرورت دارد و هر گونه تلاش برای توانمندسازی شهروندان، در ارتقای سطح مشارکت در مدیریت شهر، مؤثر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، مشارکت، شهروندان، مدیریت شهری
طبقه‌بندی JEL: H11, H44, K10, M48.

۱*- کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، مسئول مکاتبات:da_abbasi@yahoo.com
۲- کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

۱- مقدمه

شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف است که در یک جامعه سیاسی- اجتماعی، افراد را به عنوان اعضای آزاد به رسمیت می‌شناسد و دسترسی آنها را به منابع کمیاب فراهم می‌کند (Turner, 2000). در دنیای امروز، شهروندان از منابع بسیار مهم مدیریت شهری به‌شمار می‌آیند و بیشتر دولت‌ها برای حفظ ثبات و تحقق اهداف خود، شهروندان را در رأس امور می‌بینند (باربالت، ۱۳۸۳). شهرداری تهران نیز از سال ۱۳۸۴ جهت‌گیری‌های اساسی این سازمان را بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی شهر متمرکز کرده است؛ بنابراین لازم است، برای موفقیت در این مسیر از افکار عمومی و توان مردم و مشارکت آنها برای اداره شهر بهره‌مند شد؛ اما یکی از پیش‌شرط‌های اصلی برای جلب مشارکت مردم در مدیریت شهر به منظور دستیابی به توسعه پایدار شهری، توانمندسازی شهروندان[۱] است.

هرچند توانمندسازی اصولاً یک تجربه شخصی است و بیشتر در حوزه سازمانی و در رابطه با کارکنان مطرح است (ضیایی و همکاران، ۱۳۸۷) ولی توانمندسازی به عنوان یک ایدئولوژی قدرتمند که در دوران معاصر اصلاحات اداری در بخش عمومی رشد کرده (Aucoin, 1996) و اخیراً به یکی از موضوعات مورد بحث تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی که به دنبال تغییرات بنیادین در کشورهای کمتر توسعه‌یافته هستند تبدیل شده است (Timberg, 1995).

هدف از توانمندسازی شهروندان، ایجاد تغییرات مناسب در کلیه ابعاد و جوانب زندگی افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و اقشار جامعه است (رفیعی‌فر و همکاران، ۱۳۸۸)؛ برای نمونه در حوزه سلامت، واژه‌نامه ارتقای سلامت[۲] (۱۹۹۸) توانمندسازی را فرایندی تعریف کرده است که افراد از طریق آن، کنترل بیشتری بر تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌هایی مؤثر بر سلامتشان خواهند داشت. بنابراین می‌توان گفت توانمندسازی در حوزه مدیریت شهری نیز کاربرد داشته و به این معناست که شهروندان از یکسو به سطحی از توسعه فردی برسند که توانایی انتخاب بر اساس خواسته‌های خود را داشته باشند (شادی طلب، ۱۳۸۳) و از سوی دیگر به این درک جمعی دست یابند که مشارکت آنها آثار مهمی بر توسعه ظرفیت جامعه دارد (رفیعی‌فر، ۱۳۸۳). بدین ترتیب هدف اصلی از این پژوهش، بررسی رابطه توانمندسازی و مشارکت شهروندان است و بر این اساس پرسش اصلی به صورت بررسی رابطه توانمندسازی شهروندان و مشارکت در مدیریت شهری بیان می‌گردد و با یافتن پاسخ آن می‌توان سازوکارهایی جهت توانمندسازی شهروندان با هدف ترغیب آنها به مشارکت فعال در مدیریت شهر ارایه داد.

امروزه در سطح بین‌المللی، همگام با توسعه شهری، همواره بر توانمندسازی شهروندان به منظور جلب مشارکت و حضور آنها در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌ها تأکید می‌شود (فتحی و دیبا، ۱۳۸۱). با توجه به توسعه روزافزون شهرها و شهرنشینی در کشور و به ویژه استان تهران، تلاش در جهت توانمندسازی شهروندان برای مشارکت در مدیریت شهر و حومه آن از الزامات مدیریت شهری است؛ مطالعه و بررسی نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد نسبت شهرنشینی در ایران بیش از متوسط جهانی (۵۱ درصد) است و ۷۱/۳۸ درصد از جمعیت کشور شهرنشین هستند. این نسبت در رابطه با استان تهران، ۹۲/۸ درصد است که در مقایسه با سال ۱۳۸۵، یک درصد افزایش را نشان می‌دهد؛ همچنین گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد رشد جمعیت شهری در استان تهران در فاصله سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ به میزان ۱/۶۵ درصد بوده است. افزایش شهرنشینی بدون توجه به توانمندسازی شهروندان، اداره‌کنندگان شهر را با مشکل مواجه خواهد کرد؛ در واقع یکی از دلایل عدم موفقیت مطلوب در توسعه شهرها و مدیریت شهری در

۱- Citizens Empowerment

۲- Health Promotion Glossary

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

ایران، حذف شهروندان از چرخه تصمیم‌گیری و اجرای خط‌مشی‌های شهری است.

موضوع مشارکت مردم در امور محلی از یک دهه قبل تاکنون به عنوان عامل اساسی در بررسی‌های توسعه مورد توجه قرار گرفته است (قالیباف، ۱۳۸۶). در زمینه‌هایی که افراد جامعه در تصمیم‌گیری مشارکت دارند، میزان تعهد به حفظ دستاوردها بسیار بیشتر از وضعیت‌هایی است که تصمیم‌گیری‌ها به روش غیرمشارکتی، دستوری و از بالا به پایین بوده است. به عبارت دیگر استفاده از ظرفیت‌های موجود در جوامع نه تنها در تضمین ماندگاری و پایداری برنامه مؤثر است بلکه از دیدگاه سرمایه‌گذاری اجتماعی، اتکا به افراد جوامع محلی و توانایی‌های آنان، به عنوان اساسی‌ترین سرمایه‌های پایدار به شمار می‌رود (دبیرخانه توانمندسازی اجتماع محور، ۱۳۸۴). اصولاً هنگامی که شهروندان، در بهبود وضعیت زندگی شهری نقش داشته باشند و به این نتیجه برسند که این بهبود، نتیجه اقدام و همکاری خود ایشان بوده است، بیش از پیش به مشارکت ترغیب می‌شوند. بدون شک شهروندانی می‌توانند در مدیریت شهر مشارکت داشته باشند که دارای ظرفیت، قابلیت و توانمندی لازم باشند؛ در واقع پیش از آنکه شهروندان تصمیم به مشارکت در امور شهر بگیرند، بایستی برای این مهم آماده شوند و این کار از طریق توانمندسازی قابل انجام است. بنابراین شناسایی و تعیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی شهروندان و همچنین شناسایی وضعیت موجود و تعیین فاصله با وضعیت مطلوب برای ارایه راهکارهای افزایش مشارکت ضرورت دارد. البته لازم به تأکید است که نه دولت، نه مدیران، نه مسئولان شهرها، نه سازمان‌های غیردولتی[1] و نه شهروندان، نمی‌توانند به تنهایی در جهت کاهش و از بین بردن مشکلات شهر، اقدام کنند؛ زیرا راهکارهای مشارکت اجتماعی، در ارتباط مستقیم با فرایندهای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی پایین به بالا است؛ بنابراین ایجاد تغییر و تحول بنیادین، نیازمند تلاش برای توانمندسازی شهروندان از یکسو و مشارکت شهروندان در مدیریت شهر از سوی دیگر است.

کیم[2] و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش خود با عنوان «تبیین اثرات مداخلات مبتنی بر خرده‌وام‌دهی بر توانمندسازی زنان و کاهش خشونت زناشویی در آفریقای جنوبی» در پی یافتن شواهدی دال بر تأثیر میزان توانمندسازی زنان روستایی بر کاهش خشونت زناشویی بودند. بر اساس یافته‌های این پژوهش برنامه‌ای با عنوان IMAGE[3] با هدف توانمندسازی زنان اجرا شد؛ دو سال پس از اجرای برنامه، نتایج نشان داد میزان خشونت جنسی و فیزیکی بیش از ۵۰٪ کاهش یافته و شاخص‌های توانمندی نیز به میزان زیادی بهبود پیدا کرده است. کاهش خشونت به دلیل مجموعه‌ای از توانمندی‌ها بود که باعث می‌شد زنان آگاهی عمومی خود را در زمینه خشونت همسر افزایش دهند، پذیرش خشونت را به چالش بکشند، توقع خود را از شیوه برخورد همسران بالا ببرند و روابطی را که در آن مورد سوءاستفاده واقع می‌شوند رها کنند. در یک جمع‌بندی کلی، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که هم توانمندسازی اقتصادی و هم توانمندسازی اجتماعی زنان، می‌تواند به کاهش خشونت زناشویی کمک کند.

چرمچیان (۱۳۸۹) در پژوهش خود، با ترکیبی از روش‌های کمی و توصیفی- استنباطی نخست شاخص‌های توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان استان مازندران و عوامل تأثیرگذار بر آن را شناسایی و سپس اقدام به مدل‌یابی آنها کرده است. نتایج این پژوهش نشان داد که ۲۲ درصد واریانس توانمندسازی روان‌شناختی توسط چهار عامل به شرح زیر قابل تبیین هستند:

۱- Non-Government Organization

2- Kim

3- Intervention With Microfinance for AIDS and Gender Equity (IMAGE)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

۱- منابع وام‌گیری شامل بانک، دوستان و همسایه‌ها، کشاورزان دیگر، فامیل‌ها، قرعه‌کشی در محل و مغازه‌داران؛

۲- راهکارها شامل فراهم کردن وام و اعتبارات برای کشاورزان، شرکت در کلاس‌های ترویجی- آموزشی، پس‌انداز جمعی پول، عضویت در یکی از سازمان‌های محلی، عضویت در تعاونی‌های تولیدی؛

۳- روش‌های آموزشی شامل شرکت در مدرسه در مزرعه کشاورز، ارتباط با مروجان و کارشناسان کشاورزی، جلسه بحث و سؤال و جواب؛

۴- موانع شامل سطح سواد پایین، کمبود سرمایه، در دسترس نبودن بازار مناسب جهت فروش محصولات، اعتماد به نفس پایین کشاورزان، عدم حمایت دولت از کشاورزان، در دسترس نبودن جاده مناسبی بین روستا و شهر و داشتن تجربیات ناموفق قبلی.

طباطبایی و روایی (۱۳۸۹) در پژوهشی که به روش شبه آزمایشی انجام شده است اثربخشی آموزش‌های کارآفرینی و روانشناختی را بر توانمندسازی زنان باسواد فاقد مهارت و شغل ساکن در منطقه ۴ تهران مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش‌های آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های زندگی، اجتماعی و کسب‌وکار بر توانمندسازی این زنان مؤثر است.

نتایج پژوهش قلی‌پور و رحیمیان (۱۳۸۸) نشان داد که بین متغیرهای مستقل (وام، آموزش عمومی، طرح‌های درآمدزایی، کمک‌های غیرنقدی، سهام عدالت و مهارت‌آموزی) و توانمندسازی همبستگی وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که آموزش و طرح‌های خوداشتغالی موجب بروز احساس توانمندی در زنان سرپرست خانوار می‌شود. پژوهشگران در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که زنان سرپرست خانوار به دلیل داشتن نقش‌های متعدد فرصت آموزش ندارند و معمولاً در مقایسه با دیگر زنان از تحصیلات کمتری برخوردارند از این‌رو آموزش تأثیر مثبتی بر خانواده آنها دارد.

رحمانی و همکاران (۱۳۸۷)، توانمندسازی زنان را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روانی و فرهنگی مورد توجه قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش که در روستای پشت‌رود بم انجام شده است، نشان می‌دهد در بعد اقتصادی، شبکه خرده اعتبارات نقش مؤثری در توانمندسازی اقتصادی زنان داشته است؛ همچنین در بعد اجتماعی و روانی نیز این شبکه، توانسته نقش قابل ملاحظه‌ای در توانمندسازی داشته باشد، در حالی‌که در بعد فرهنگی تأثیری مشاهده نشده است.

شادی طلب (۱۳۸۳)، در طرح پژوهشی با عنوان «شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از نابرابری در حقوق و آنچه که زنان به عنوان یک شهروند استحقاق آن را دارند و نابرابری در قابلیت‌ها در پی نابرابری در فرصت‌ها». به عنوان متغیرهای مؤثر در زنانه شدن فقر نام برده است. یافته‌های پژوهش کتابی و همکاران (۱۳۸۴)، نیز حاکی از آن است که، افزایش تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی از جمله عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان هستند.

نتایج به دست آمده از پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تمایل به مشارکت شهروندان در اجرای پروژه‌های زیربنایی در شهرداری زاهدان کمی بالاتر از حد متوسط است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد میانگین مشارکت در بخش‌های برخوردار و محروم جامعه آماری متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که نشان از تمایل متوسط شهروندان مناطق برخوردار و تمایل کم شهروندان مناطق محروم دارد. (ابراهیم زاده، کاظمی‌زاد، ۱۳۹۲). نتایج پژوهش تقوایی و همکاران (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد ارزیابی شهروندان از پیامدهای مشارکت، مثبت است و بیشتر شهروندان معتقد که می‌توانند از طریق مشارکت، در مدیریت شهری تأثیرگذار باشند. این

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

مطالعه همچنین نشان می‌دهد میان رضایت از خدمات‌رسانی و مشارکت، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش رضایت از خدمات‌رسانی میزان مشارکت شهروندان، نیز افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر برخی از مطالعات بیان کرده‌اند که با افزایش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهر، ضمن آن که بر میزان رضایت‌مندی افراد از زندگی افزوده می‌شود، سطح همبستگی، انسجام و تعاملات اجتماعی آنها نیز بیشتر می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱).

در پژوهشی که فنی و صادقی (۱۳۸۸) در رابطه با نوسازی بافت‌های فرسوده انجام داده‌اند، میزان تمایل اهالی به مشارکت با یکدیگر در خانه‌سازی و فعالیت‌های گروهی در سطح بالایی (۸۷ درصد موافق) ارزیابی شده است، در حالی‌که میزان تمایل به همکاری با مدیریت شهری برای ساماندهی بافت موجود، پایین ارزیابی شده و ۵۶ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه عدم تمایل به مشارکت را انتخاب کرده‌اند.

بررسی برخی از مطالعات خارجی و داخلی نشان می‌دهد مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر میزان مشارکت عبارتند از: پایگاه اجتماعی- اقتصادی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، نوع مالکیت منزل و میزان آگاهی (Montalvo, 2008; Larson, Lach, 2008; Bortoleto, Hanaki, 2007; Marschall, 2007; Lockhart, 2003; Etemadi, 2000). همچنین اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی مدیران شهری، احساس توانمندی در برابر شهرداری و احساس اثربخشی شهروندی از جمله متغیرهایی هستند که میزان مشارکت را تبیین می‌کنند (اصغرپور ماسوله، ۱۳۸۶؛ شفیعی، ۱۳۸۵)

توانمندسازی[۱] مفهومی پیچیده و چندبعدی است که به سختی می‌توان آن را تعریف کرد؛ در واقع عمومیت این واژه باعث شده است که در گستره وسیعی از موقعیت‌ها (Kwaku, Peter, 2004) از جمله مدیریت، روانشناسی، انسان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی و پزشکی به‌کاررود (Johnson, 1997). از جمله مفاهیم بسیار متعددی که برای بیان اصطلاح توانمندسازی به کار می‌رود می‌توان به واژه‌های، خودتوانایی[۲]، کنترل[۳]، خودنیرومندی[۴]، خوداتکایی[۵]، حق انتخاب[۶]، زندگی توأم با عزت در سایه ارزش‌ها[۷]، توانایی مبارزه برای احقاق حقوق خود، استقلال عمل[۸]، حق تصمیم‌گیری فردی، آزاد بودن، بیدارسازی[۹]، توانمندی با صلاحیت و قابلیت[۱۰] را نام برد؛ البته لازم به تأکید است که مفاهیم ناظر بر این تعاریف، ریشه در ارزش‌های محلی، بومی و نظام‌های اعتقادی دارد (World Bank, 2002).

تعاریف گوناگونی از توانمندسازی ارایه شده است از آن جمله توانمندسازی گسترش دسترسی و قابلیت‌های مردم فقیر برای مشارکت، مذاکره، تأثیر، کنترل و مسئولیت‌پذیری در نهادهایی است که بر زندگیشان اثرگذار است (Alsop et al., 2006). برخی به توانمندسازی زنان تمرکز کرده و معتقدند توانمندسازی فرایندی است که به وسیله آن اعتماد به نفس زنان افزایش پیدا می‌کند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابعی که به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان منجر می‌شود، دفاع می‌کنند (Malhotra et al., 2002).

برخی از صاحب‌نظران معتقدند، توانمندسازی افزایش ظرفیت برای خودمختاری در تصمیماتی است که روابط نامطلوب قدرت را تغییر می‌دهد (Wee, Shaheed, 2008)؛ و توانمندسازی فرایند چند بعدی و در هم ادغام شده تغییر در روابط قدرت است که سه پارادایم را در سه سطح در بر می‌گیرد:

۱- Empowerment

۲- Self Strength
۳- Control
۴- Self-Power
۵- Self- Reliance
۶- Own-Choice
۷- Values
۸- Independence
۹- Awakening
۱۰- Capability

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

۱- پارادایم خودکفایی مالی[۱] (توانمندی اقتصادی و گسترش انتخاب‌های فردی) در سطح خرد؛

۲- پارادایم کاهش فقر[۲] (افزایش رفاه و توسعه اجتماعات محلی) در سطح میانی؛

۳- پارادایم توانمندسازی فمنیستی[۳] (تغییر همه جانبه روابط قدرت) در سطح کلان.

در مجموع، می‌توان دیدگاه‌های مختلف نسبت به توانمندسازی را در سه گروه دسته‌بندی کرد؛ فردی، اجتماعی و سیاسی. در دیدگاه فردی، توانمندسازی عبارتست از فرایند تغییر باورهای درونی افراد برای افزایش احساسشان از حق تعیین سرنوشت و برخورداری از قدرت (Nicholson et al., 1995). در رویکرد اجتماعی، فرایند توانمندسازی بر ایجاد سرمایه اجتماعی و سازمان‌هایی که توانمندی شهروندان و انجمن‌ها را تقویت می‌کنند، تمرکز دارد (Wilson, 1996) و طرفداران آن معتقدند، توانمندسازی، در شهروندان ظرفیت مشارکت و احساس خوداثربخشی ایجاد می‌کند. در دیدگاه سیاسی، هدف از توانمندسازی کاهش فاصله قدرت است و توانمندسازی به عنوان فرایندی تعریف می‌شود که در آن شهروندان یا انجمن‌ها، تأثیر سیاسی یا قدرت قانونی مربوط برای استفاده از حقوق و فرصت‌های خود را آزادانه به دست می‌آورند (Elwood, 2002).

سازمان ملل (۱۹۹۰)، مشارکت را ابزاری برای گسترش قلمرو فرصت‌های حضور مردم در فرایند تصمیم‌گیری به منظور بهره‌مندی از فعالیت‌های رفاهی می‌داند. امروزه مشارکت در امور شهری، اصلی پذیرفته شده در تمامی کشورهای توسعه‌یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. سرآغاز مشارکت مردم در امور شهری را می‌توان به جنبش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، به ویژه در ایالات متحده آمریکا نسبت داد. کوشش‌هایی که برای اصلاح محیط با همکاری گروه‌های داوطلب شهروندی آغاز شد (عبدی دانشپور، ۱۳۹۰).

مهمترین ویژگی جامعه مدنی و یکی از چهار رکن اصلی برای توسعه پایدار شهری مشارکت است که در آن به مردم فرصت داده می‌شود تا در تعیین سرنوشت خود و ساختن آینده سهیم شوند (Sastry, 1997)؛ بنابراین مشارکت شامل شفافیت، باز بودن فضای جامعه و چندصدایی بودن حوزه عمومی می‌شود و نیازمند فضایی است که افراد بتوانند در تصمیم‌گیری‌هایی که در سرنوشت آنها مؤثر است، تأثیرگذار باشند (Hutching, 1999).

جوهره اصلی مشارکت درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری است (علوی‌تبار، ۱۳۸۲) و می‌توان آن را درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی دانست که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در این تعریف سه نکته مهم و کلیدی وجود دارد (طوسی، ۱۳۸۰):

۱. درگیری ذهنی و عاطفی: در مشارکت، تنها مهارت، توانایی‌ها یا امکانات فراهم شده توسط فرد، درگیر نیست؛ بلکه خود شخص نیز درگیر است و این درگیری، روان‌شناختی است نه جسمانی؛ انسانی که مشارکت می‌کند خوددرگیر است و نه کاردرگیر؛ البته باید احساس کند به طور واقعی در امور مشارکت داده شده است؛ بدین ترتیب تمام روح و جسم فرد برای تحقق هدف در جریان مشارکت به کار گرفته می‌شود؛

۲. انگیزش برای یاری دادن: در مشارکت، شخص این فرصت را پیدا می‌کند تا از قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده کند؛ از این‌رو مشارکت با موافقت فرق دارد؛ در موافقت، موافقت‌کننده یاری ویژه‌ای نمی‌کند، بلکه تنها آنچه را که پیش رویش می‌گذارند، تصویب می‌کند. در واقع، در موافقت، نقش اصلی را تصمیم‌گیرنده بازی می‌کند که می‌کوشد تا با استفاده از توانایی‌های خویش، جمع را به موافقت وا دارد، اما مشارکت چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای یک تصمیم از پیش گرفته شده است؛ در مشارکت نقش

۱- Financial Self-Sustainability Paradigm

۲- Poverty Alleviation Paradigm

۳- Feminist Empowerment Paradigm

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

اصلی با مشارکت‌کننده است که می‌کوشد تا توانایی‌های خویش را آشکار سازد.

۳. پذیرش مسئولیت: پذیرش مسئولیت، اشخاص را برمی‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود، سهمی جدی را بپذیرند. در واقع مشارکت هنگامی معنا پیدا می‌کند بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، هم سرنوشتی و مسئولیت بدهد. (علوی‌تبار، ۱۳۸۲)

صاحب‌نظران، مشارکت و همکاری شهروندان در امور مربوط به خود را به مثابه یکی از ارکان اساسی مردم‌سالاری می‌دانند (Dewey, 1997; Mikel, 2000; Hansen, 2004; Yang, Liu, 2005; Harber, 2006; Sleeter, 2008) که موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌شود (آلموند و همکاران، ۱۳۸۱). تجربیات جهانی نشان می‌دهد برای آنکه مشارکت، مؤثر و کارآمد باشد، مهم است که مردم در تمام مراحل برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزیابی یک طرح یا برنامه شهری حضوری فعال داشته باشند. (Srinivas, 2006) زیرا یکی از عوامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه، عدم بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی است (وحیدا، نیازی، ۱۳۸۳).

دقت در مبانی نظری موجود در حوزه توانمندسازی و مشارکت، نشان می‌دهد میان این دو مفهوم ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ توانمندسازی به معنای ایجاد قدرت قانونی برای تواناسازی و تفویض اختیار به مردم و نیازمند از میان برداشتن عوامل بی‌قدرتی است. در واقع توانمندسازی فرایندی است که طی آن، قدرت، در اختیار فرد، گروه یا جامعه قرار گیرد (Narayan, 2005)؛ به گونه‌ای که بهره‌برداری از آن به پیشرفت توانایی افراد در اتخاذ تصمیمات راهبردی زندگی منجر شود (Kabeer, 1999). به همین ترتیب می‌توان مشارکت را عاملی برای توانمندسازی شهروندان به شمار آورد؛ زیرا مشارکت یکی از عناصر تشکیل‌دهنده قدرت جوامع و توانمندسازی جامعه است که در آن به مردم فرصت داده می‌شود تا در ساختن آینده سهیم شوند (Sastry, 1997) و در تصمیم‌گیری‌هایی که در سرنوشت آنها مؤثر است، تأثیرگذار باشند (Hutching, 1999)؛ بنابراین، توجه به موضوع مشارکت که مربوط به تلاش سازمان‌یافته برای افزایش کنترل منابع و نهادهای تنظیم‌کننده در موقعیت‌های اجتماعی خاص به دست گروه‌ها و جنبش‌هایی است که تاکنون چنین کنترلی بر امور نداشته‌اند (کلیتون و همکاران، ۱۳۸۳) در فرایند توانمندسازی شهروندان جایگاه مهمی دارد.

هرچند عمق، گستره و سطح مشارکت، تأثیری مستقیم بر توانمندسازی شهروندان دارد؛ از جمله اینکه می‌تواند در حد تصمیم‌گیری شهروندان برای اداره کردن شهر باشد و یا در حد آگاه کردن آنها از روند مدیریت شهر باقی بماند، ولی چنین به نظر می‌رسد که میان توانمندسازی شهروندان و میزان تمایل آنها به مشارکت در اداره شهر و محله خود رابطه‌ای دوجانبه وجود دارد؛ به این معنا که از یکسو بهبود در شاخص‌های توانمندسازی موجب ترغیب آنها به مشارکت بیشتر در مدیریت شهر می‌شود و از سوی دیگر در فرایند مشارکت، تجربیاتی به دست می‌آورند که مهارت و توانمندی‌های لازم در آنها ایجاد، تقویت و تثبیت می‌شود. اسپریتزر[1] (۱۹۹۵) معتقد است برای اینکه توانمندسازی کارکرد لازم را داشته باشد، می‌بایست پیش از آنکه کسی آن را تقدیم کند، خود فرد احساس آن را داشته باشد؛ از نظر او جایگزینی رویکرد نرم‌افزاری نسبت به توانمندسازی به جای دیدگاه سخت‌افزاری به این مهم کمک می‌کند. بر اساس نظرات وی می‌توان گفت توانمندسازی در برگیرنده حالات مهم روانی شهروندان نسبت به مدیریت شهری است که از طریق سه مؤلفه، قابل شناسایی و اندازه‌گیری است:

۱- معناداری (اهمیت)[2]: به این مفهوم است که فرد وظایف شهروندی را مهم و ارزشمند بداند؛

1- Sprietzer
2- Meaning

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

۲- شایستگی[1]: شایستگی یا خودباوری، اعتقاد فرد به داشتن توانایی و ظرفیت لازم برای انجام دادن وظایف شهروندی است؛

۳- مؤثر بودن[2]: عبارت است از حدی که فرد اعتقاد دارد توانایی نفوذ و تأثیرگذاری بر نتایج و پیامدهای مدیریت شهری را دارد؛

همچنین برخی از صاحب‌نظران معتقدند توانمندسازی شهروندان شامل موارد زیر می‌شود (Pahl, 2005):

- دسترسی به اطلاعات جامع و به هنگام که ابعاد مختلف یک موضوع را در برداشته باشد و از عدم اطمینان جلوگیری کند؛
- امکان طرح نظرات؛
- توانایی برای پذیرش مسئولیت در تصمیم‌گیری‌های مهم؛
- داشتن سهم واقعی در اداره شهر

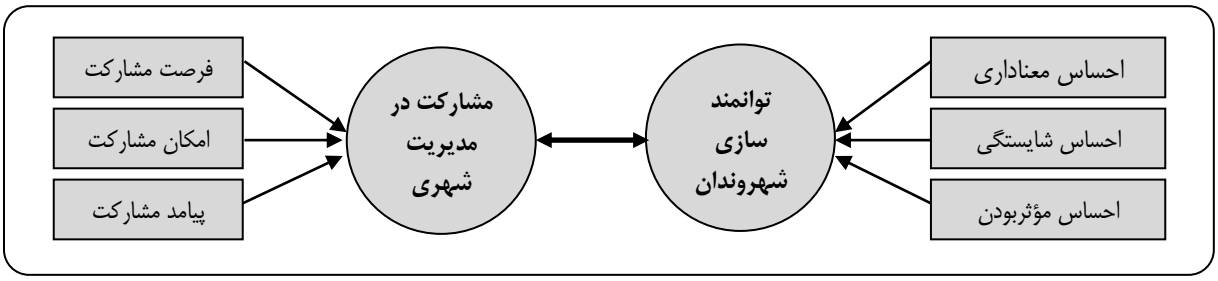
آلسوپ و هینسون[3] (۲۰۰۵) نیز معتقدند اندازه‌گیری مستقیم توانمندسازی با ارزیابی فرصت انتخاب، امکان استفاده از فرصت انتخاب و موفقیت در انتخاب، قابل انجام است؛ بر این اساس می‌توان گفت جهت بررسی وضعیت مشارکت شهروندی بایستی به سه پرسش اساسی زیر پاسخ داد:

۱- آیا واقعاً فرصت مشارکت برای شهروندان وجود دارد؟

۲- آیا شهروندان امکان استفاده از فرصت مشارکت را دارند؟

۳- آیا مشارکت به پیامدهای مطلوب برای شهروندان منجر می‌شود؟

بدین ترتیب با توجه به مطالب بیان شده مدل مفهومی پژوهش، شکل (۱) طراحی شده است:



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش: رابطه توانمندسازی شهروندان با مشارکت در مدیریت شهری

منبع: (مطالعات نگارندگان)

بر اساس مدل مفهومی و با توجه به پرسش اصلی پژوهش، یک فرضیه اصلی (اهم) و سه فرضیه فرعی به شرح زیر مورد آزمون قرار گرفته است:

فرضیه اصلی: میان توانمندسازی شهروندان و مشارکت در مدیریت شهر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- بین احساس معناداری و مشارکت در مدیریت شهر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- بین احساس شایستگی و مشارکت در مدیریت شهر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- بین احساس مؤثر بودن و مشارکت در مدیریت شهر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

1- Competency
2- Impact
3- Alsop and Heinsohn

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

جامعه آماری تحقیق حاضر، منطقه ۱۸ بوده که یکی از مناطق ۲۲گانه شهر تهران است که از لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب غربی پایتخت، در کنار مناطق ۹، ۱۷ و ۱۹ واقع شده است و بر اساس طرح مصوب راهبردی- ساختاری (جامع) شهر تهران، بدون احتساب حریم، با وسعتی برابر با ۳۸۰۹ هکتار، ۵/۸٪ از کل مساحت شهر تهران را در می‌گیرد. در طرح جامع شهر تهران، ۵ ناحیه در محدوده و ۲ ناحیه در حریم برای منطقه ۱۸ در نظر گرفته شده است. به‌طور کلی نواحی ۶ و ۷ به دلیل در حریم قرار داشتن دارای بیشترین مساحت و کمترین جمعیت هستند؛ ولی از میان نواحی پنج‌گانه که در محدوده قرار دارند، ناحیه ۵ با مساحتی بالغ ۱۱۷۲/۹ هکتار بزرگترین و ناحیه ۱ با مساحتی بالغ بر ۴۳۷/۷ هکتار کوچکترین به شمار می‌روند که از لحاظ جمعیتی این وضعیت معکوس است؛ به این معنا که ناحیه ۱ دارای بیشترین و ناحیه ۵ دارای کمترین جمعیت است (پایگاه اطلاع‌رسانی منطقه ۱۸ شهرداری تهران). جمعیت منطقه بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۳۹۱۳۶۸ نفر مشتمل بر ۱۹۹۶۲۳ (۵۱/۰۱ درصد) مرد و ۱۹۱۷۴۵ (۴۸/۹۹ درصد) زن، در قالب ۱۱۵۱۵۱ خانوار اعلام شده است که از این لحاظ با اختصاص ۴/۸ درصد از کل جمعیت تهران، در رتبه هفتم قرار دارد (سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران). جداول (۱) و (۲) اطلاعات بیشتری از منطقه نشان می‌دهند.

جدول ۱- روند تغییر جمعیت منطقه ۱۸

۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵			۱۳۸۵			۱۳۹۰		
کل	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن	کل
۲۱۱۶۰۶	۲۹۳۴۳۰	۱۵۱۸۱۱	۱۴۴۴۳۲	۲۹۶۲۴۳	۱۶۴۰۰۱	۱۵۳۱۸۷	۳۱۷۱۸۸	۱۹۹۶۲۳	۱۹۱۷۴۵	۳۹۱۳۶۸

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

جدول ۲- وسعت و جمعیت منطقه ۱۸ به تفکیک نواحی

نواحی		مساحت		جمعیت*		تعداد محلات
		هکتار	درصد	تعداد	درصد	
در محدوده	۱	۴۳۷/۷	٪۳/۹۷	۱۰۲۴۲۳	٪۲۶/۱۷	۴
	۲	۶۶۹/۹	٪۶/۰۷	۷۳۷۳۳	٪۱۸/۸۴	۴
	۳	۶۴۲/۲۶	٪۵/۸۲	۷۲۰۸۲	٪۱۸/۴۲	۴
	۴	۸۸۷/۴	٪۸/۰۵	۶۴۲۷۰	٪۱۶/۴۲	۳
	۵	۱۱۷۲/۹	٪۱۰/۶۳	۵۸۹۸۴	٪۱۵/۰۷	۳
در حریم	۶	۴۰۷۰	٪۳۶/۹	۹۳۱۰	٪۲/۳۸	
	۷	۳۱۵۰	٪۲۸/۵۶	۱۰۵۶۶	٪۲/۷	
جمع کل		**۱۱۰۳۰/۲**	**٪۱۰۰**	**۳۹۱۳۶۸**	**٪۱۰۰**	**۱۸**

* جمعیت نواحی بر اساس نسبت سال‌های گذشته برآورد شده است.

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

۲- روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف در گونه تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد که به شیوه توصیفی- پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش تمامی شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن در منطقه ۱۸ شهرداری تهران هستند که بر اساس جدول مورگان حجم نمونه لازم ۳۸۴ نفر تعیین و انتخاب نمونه‌های آماری به شیوه طبقه‌ای و تصادفی انجام شده است؛ برای این منظور با توجه به موانع و مشکلات حضور در ناحیه‌های در حریم (۶ و ۷) و همچنین تمرکز بیش از ۹۵ درصد جمعیت در

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

ناحیه‌های محدوده، پرسشنامه‌ها در میان ساکنان پنج ناحیه در محدوده توزیع شده‌اند. به منظور تعیین تعداد نمونه در هر ناحیه، با توجه به نسبت توزیع جمعیت در نواحی، تعداد نمونه مورد نیاز در هر ناحیه مشخص و با مراجعه حضوری به ساکنان، پرسشنامه‌ها تکمیل شده‌اند. جدول (۳) تعداد پرسشنامه اختصاص یافته به هر ناحیه را نشان می‌دهد.

جدول ۳- اختصاص پرسشنامه به نواحی

ناحیه	۱	۲	۳	۴	۵	جمع
تعداد پرسشنامه	۱۰۶	۷۸	۷۳	۶۵	۶۲	**۳۸۴**

منبع: (مطالعات نگارندگان)

برای گردآوری داده‌ها، هم از منابع اولیه (پرسشنامه) و هم از منابع ثانویه (اسناد و مدارک کتابخانه‌ای) استفاده شده است؛ به این معنا که ضمن مطالعه و بررسی مبانی نظری و ادبیات موضوع در رابطه با موضوعات توانمندسازی و مشارکت، نخست با الگوگیری از پژوهش‌های اسپریتزر (۱۹۹۵)، آلسوپ و هینسون (۲۰۰۵) و پال[1] (۲۰۰۵) ابزار سنجش به شکل پرسشنامه بسته پاسخ شامل ۲۷ گویه در مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت طراحی شده است؛ بدین ترتیب با در نظر گرفتن این نکته که افزایش نمره به مفهوم افزایش میزان توانمندی و مشارکت است مبنای تحلیل نمرات در جدول (۴) مشخص شده است.

جدول ۴- مقیاس اندازه‌گیری

۱	۲	۳	۴	۵
کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم
توانمندی کم		توانمندی متوسط	توانمندی زیاد	
مشارکت کم		مشارکت متوسط	مشارکت زیاد	

منبع: (مطالعات نگارندگان)

در طراحی گویه‌ها دقت لازم به عمل آمد تا سؤالات از سادگی و وضوح کافی برخوردار باشند. روایی صوری[2] و محتوایی[3] پرسشنامه (ابعاد و گویه‌ها) با استفاده از نظرات اساتید دانشگاه و خبرگان، تأیید شد. میزان پایایی نیز بر اساس ۳۰ پرسشنامه‌ای که در میان افراد جامعه آماری توزیع شد با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، برای توانمندسازی ۰/۸۶ و برای مشارکت ۰/۸۹ برآورد شده است که قابلیت اعتماد به پرسشنامه را در سطح قابل قبولی تأیید می‌کند. ابعاد، تعداد گویه‌ها و نتیجه آزمون پایایی ابزار سنجش در جدول (۵) نشان داده شده است.

1- Pahl
2- Face Validity
3- Content Validity

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

جدول ۵- نتیجه آزمون پایایی

متغیرها	ابعاد	تعداد گویه‌ها	ضریب پایایی
توانمندسازی شهروندان	احساس معناداری	۵	۰/۸۶
	احساس شایستگی	۵	
	احساس مؤثر بودن	۴	
مشارکت در مدیریت شهر	فرصت مشارکت	۴	۰/۸۹
	امکان مشارکت	۴	
	پیامد مشارکت	۵	

منبع: (محاسبات نگارندگان)

برای داده‌پردازی از نرم‌افزار SPSS.18 استفاده شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها به دو شیوه توصیفی و استنباطی انجام شده است؛ برای تجزیه و تحلیل توصیفی، از شاخص‌های فراوانی، درصد و میانگین استفاده شده و در تجزیه و تحلیل استنباطی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش با توجه به کفایت داده‌ها (تعداد پرسشنامه‌ها) و همچنین در نظر گرفتن این که هر دو متغیر اصلی پژوهش (توانمندسازی و مشارکت) کیفی هستند برای بررسی وجود یا فقدان رابطه معنادار بین آنها از آزمون استقلال[1] (کای‌مربع[2]) استفاده شده است؛ هدف از این آزمون بررسی وجود استقلال بین دو متغیر غیر کمی است (مؤمنی، فعال قیومی، ۱۳۸۶) در این آزمون فراوانی‌های مشاهده شد با فراوانی‌های مورد انتظار استقلال دو متغیر مقایسه می‌شوند (آذر، مؤمنی، ۱۳۸۵). همچنین به منظور تعیین میزان (شدت) و نوع رابطه (مثبت یا منفی) از ضریب همبستگی پیرسون و برای انجام مقایسه‌های درون‌گروهی متغیرهای جمعیت‌شناختی، از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه[3] (T-test) و آزمون مقایسه میانگین چند جامعه[4] (ANOVA) استفاده شده است.

۳-یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که از ۳۸۴ نفر پاسخ‌دهنده ۵۲ درصد مرد و ۸۳ درصد متأهل هستند؛ همچنین بیشترین پاسخ‌دهندگان، از لحاظ سن (۳۳ درصد) در گروه ۱۵ تا ۲۵ سال، از لحاظ تحصیلات (۲۸ درصد) در گروه کارشناسی و از لحاظ نوع فعالیت (۳۰ درصد) در گروه کارگر قرار دارند. جدول (۶) اطلاعات بیشتری را در رابطه با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد.

1- Independent Test
2- Chi-Square
3- Equality of Two Means Test
4- Equality of Multi Means Test

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

جدول ۶- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

متغیر	جنسیت		وضعیت تأهل		سن (سال)				
طبقه	زن	مرد	مجرد	متأهل	تا ۲۵	۲۵-۳۵	۳۵-۴۵	۴۵-۵۵	بیشتر از ۵۵
فراوانی	۱۸۴	۲۰۰	۶۳	۳۲۱	۱۲۷	۱۱۹	۶۹	۴۶	۲۳
درصد	٪۴۷/۹۱	٪۵۲/۰۹	٪۱۶/۴	٪۸۳/۶	٪۳۳/۰۷	٪۳۰/۹۹	٪۱۷/۹۷	٪۱۱/۹۸	٪۵/۹۹

متغیر	میزان تحصیلات								
طبقه	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	دیپلم	فوق‌دیپلم	کارشناسی	کارشناسی ارشد	
فراوانی	۱۱	۱۷	۱۳	۲۷	۱۰۴	۸۶	۱۰۹	۱۷	
درصد	٪۲/۸۶	٪۴/۴۳	٪۳/۳۹	٪۷/۰۳	٪۲۷/۰۸	٪۲۲/۴	٪۲۸/۳۹	٪۴/۴۳	

متغیر	وضعیت فعالیت								
طبقه	آزاد	کارمند	کارگر	بازنشسته	بیکار	دانش‌آموز	دانشجو	سرباز	سایر
فراوانی	۲۷	۱۰۷	۱۱۸	۱۹	۱۷	۲۶	۳۸	۹	۲۳
درصد	٪۷/۰۳	٪۲۷/۸۶	٪۳۰/۷۳	٪۴/۹۵	٪۴/۴۳	٪۶/۷۷	٪۹/۹	٪۲/۳۴	٪۵/۹۹

منبع: (محاسبات نگارندگان)

همچنین نتایج تجزیه و تحلیل توصیفی متغیرهای پژوهش (توانمندسازی شهروندان و مشارکت در مدیریت شهر) و ابعاد آنها در جدول (۷) نشان داده شده است؛ همان‌گونه که در جدول مشخص شده است میانگین توانمندسازی و مشارکت کمتر از حد متوسط (۳) است. نتایج، همچنین نشان می‌دهند؛ تنها، احساس شایستگی بالاتر از حد متوسط (۳/۲۸) است و میانگین نمره‌ی سایر ابعاد، پایین‌تر از حد متوسط است.

جدول ۷- میانگین نمرات متغیرها

متغیر	بعد	میانگین	میانگین کل
توانمندسازی شهروندان	احساس معناداری	۲/۶۷	۲/۸۲
	احساس شایستگی	۳/۲۸	
	احساس مؤثربودن	۲/۵۱	
مشارکت در مدیریت شهر	فرصت مشارکت	۲/۳۴	۲/۴۶
	امکان مشارکت	۲/۴۸	
	پیامد مشارکت	۲/۵۷	

منبع: (محاسبات نگارندگان)

جهت بررسی وجود یا فقدان رابطه بین دو متغیر اصلی پژوهش (توانمندسازی و مشارکت) از آزمون استقلال استفاده شده است؛ برای این منظور نخست با توجه به میانگین نمره توانمندسازی و مشارکت، پاسخ‌دهندگان در سه سطح (پایین، متوسط و بالا) طبقه‌بندی شدند و سپس با تشکیل جدول توافقی (جدول ۸)، آزمون انجام شد.

جدول ۸- جدول توافقی متغیرهای پژوهش

		مشارکت در مدیریت شهر			
		پایین	متوسط	بالا	جمع کل
توانمندسازی شهروندان	پایین	۷۰	۳۲	۲	**۱۰۴**
	متوسط	۵۲	۱۳۲	۱۲	**۱۹۶**
	بالا	۸	۴۸	۲۸	**۸۴**
	جمع کل	**۱۳۰**	**۲۱۲**	**۴۲**	**۳۸۴**

منبع: (محاسبات نگارندگان)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

همان‌گونه که در جدول (۹) مشخص شده است سطح معناداری آماره کای دو پیرسون کمتر از ۰/۰۵ است و فرضیه H_0 (عدم رابطه) رد می‌شود. بنابراین می‌توان با ۹۵٪ اطمینان گفت بین توانمندسازی شهروندان و مشارکت در مدیریت شهر رابطه وجود دارد.

جدول ۹- نتایج آزمون کای دو

	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری
کای دو پیرسون	۳۱/۹۸۷	۴	۰/۰۲۱
نسبت درست نمایی	۳۵/۰۳۶	۴	۰/۰۱۹
ارتباط خطی دوطرفه	۲۵/۷۹۹	۱	۰/۰۰۰
تعداد مقادیر معتبر	۳۸۴		

منبع: (محاسبات نگارندگان)

پس از آن که وجود رابطه بین دو متغیر از طریق آزمون استقلال مورد تأیید قرار گرفت با استفاده از آزمون همبستگی، معنادار بودن، نوع و شدت رابطه بررسی شده است؛ برای این منظور با توجه به کفایت تعداد نمونه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتیجه آزمون به شرح زیر است.

جدول ۱۰- نتایج آزمون همبستگی

		توانمندسازی	مشارکت
توانمندسازی	ضریب همبستگی پیرسون (R)	۱	۰/۷۱۵*
	معنی داری(.Sig)		۰/۰۰۰
	تعداد		۳۸۴
مشارکت	ضریب همبستگی پیرسون (R)	۰/۷۱۵*	۱
	معنی داری (.Sig)	۰/۰۰۰	
	تعداد	۳۸۴	
* همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است.			

منبع: (محاسبات نگارندگان)

همان‌گونه که در جدول (۱۰) مشخص شده است با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، فرضیه H_0 (عدم همبستگی) رد می‌شود و می‌توان با ۹۵٪ اطمینان گفت رابطه بین توانمندسازی شهروندان و مشارکت در مدیریت شهر معنادار است. همچنین نتیجه آزمون نشان می‌دهد که این رابطه در سطح خطای ۱٪ (۹۹٪ اطمینان) نیز معنادار است. از سوی دیگر، توجه به مقدار ضریب همبستگی (۰/۷۱۵) مشخص می‌کند که شدت همبستگی زیاد و نوع آن مستقیم است و با محاسبه ضریب تعیین، می‌توان گفت ۵۱/۱۲٪ از تغییرات در متغیر وابسته (مشارکت در مدیریت شهر) توسط متغیر مستقل (توانمندسازی) قابل تبیین است. بدین ترتیب فرضیه اصلی پژوهش مورد تأیید قرار گرفته و می‌توان با ۹۵٪ اطمینان گفت بین توانمندسازی شهروندان و مشارکت در مدیریت شهر رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

در این پژوهش همچنین رابطه میان ابعاد توانمندسازی و مشارکت در مدیریت شهری با طراحی سه فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفته است که نتایج آن به شرح جدول (۱۱) است:

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

جدول ۱۱- نتایج آزمون همبستگی توانمندسازی و مشارکت

متغیر مستقل / متغیر وابسته		احساس معناداری	احساس شایستگی	احساس مؤثربودن
مشارکت	درجه آزادی(df)	۳۸۳	۳۸۳	۳۸۳
	ضریب همبستگی پیرسون(R)	۰/۲۸۵	۰/۵۰۸	۰/۳۰۸
	معنی داری(.Sig)	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳
	ضریب تعیین(R^2)	۰/۰۸۱۲	۰/۲۵۸	۰/۰۹۴
	نتیجه نهایی	همبستگی مثبت و ضعیف؛ تنها ۸/۱۲ درصد از تغییرات در مشارکت توسط احساس معناداری قابل تبیین است.	همبستگی مثبت و متوسط؛ ۲۵/۸ درصد از تغییرات در مشارکت توسط احساس شایستگی قابل تبیین است.	همبستگی مثبت و ضعیف؛ تنها ۹/۴ درصد از تغییرات در مشارکت توسط احساس مؤثربودن قابل تبیین است.

منبع: (محاسبات نگارندگان)

بخش اعظم فرضیه‌های پژوهش در مدیریت و علوم رفتاری به منظور مقایسه دو جامعه آماری انجام می‌گیرد (آذر، مؤمنی، ۱۳۸۵)؛ در این پژوهش نیز با توجه به کفایت تعداد پرسشنامه‌های معتبر (۳۸۴ پرسشنامه) و بر اساس اطلاعات استخراج شده از بخش اول پرسشنامه (ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان شامل: سن، جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، نوع فعالیت و ناحیه محل سکونت) آزمون مقایسه میانگین نیز انجام شده است. برای این منظور فرضیه برابری میانگین توانمندی و مشارکت مطرح و آزمون‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ انجام شده است.

نتایج آزمون‌های مقایسه‌ای نشان می‌دهد، متغیرهای سن، وضعیت تأهل (مجرد-متأهل) و محل سکونت (نواحی پنج‌گانه) تأثیری بر توانمندسازی و مشارکت ندارند، ولی در رابطه با سایر متغیرها اختلاف معنادار در برخی از گروه‌ها به شرح زیر مشاهده شده است:

۱. **جنسیت:** اختلاف میانگین نمرات زنان و مردان، هم در توانمندسازی و هم در مشارکت معنادار است؛ به‌گونه‌ای که میانگین نمرات مردان در هر دو متغیر بیشتر از زنان است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت متغیر جنسیت بر توانمندسازی و مشارکت تأثیرگذار است.

۲. **میزان تحصیلات:** مقایسه میانگین نمرات توانمندسازی نشان می‌دهد بین گروه بی‌سواد با سایر گروه‌ها اختلاف معنادار است. همچنین اختلاف بین گروه کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز با سایر گروه‌ها (به غیر از گروه دیپلم و فوق‌دیپلم) معنادار است؛ در واقع می‌توان گفت به طور کلی سطح سواد از متغیرهای تأثیرگذار بر توانمندسازی است و همچنین با افزایش میزان تحصیلات از دیپلم به سطوح بالاتر این تأثیر بیشتر مشاهده می‌شود.

در رابطه با مشارکت نتایج اندکی متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که مقایسه میانگین نمرات نشان می‌دهد اختلاف معنادار تنها میان گروه بی‌سواد با دیپلم و بالاتر وجود دارد. همچنین میانگین نمرات گروه کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز با سایر گروه‌ها اختلاف معناداری دارد؛ به عبارت دیگر ضمن این که می‌توان گفت به طور کلی سطح سواد از متغیرهای اثرگذار بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهر است، همچنین می‌توان گفت که تحصیلات عالی تأثیر بیشتری بر مشارکت دارد.

۳. **نوع فعالیت:** نتایج نشان می‌دهد، اختلاف میانگین نمره افراد بیکار، هم در توانمندسازی و هم در مشارکت با سایر گروه‌ها معنادار است؛ به عبارت دیگر

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

می‌توان گفت داشتن شغل یا به بیان دقیق‌تر «بیکار نبودن» بر توانمندسازی و مشارکت تأثیرگذار است.

میانگین نمرات توانمندی و مشارکت گروه‌های مختلف در جدول (۱۲) نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در بیشتر گروه‌ها میانگین کمتر از حد متوسط (۳) است.

جدول ۱۲- میانگین نمرات توانمندسازی و مشارکت بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

متغیر	جنسیت		تأهل		ناحیه محل سکونت				
	زن	مرد	مجرد	متأهل	۱	۲	۳	۴	۵
میانگین توانمندی	۲/۶۱	۳/۰۳	۲/۷۸	۲/۸۶	۲/۹۱	۲/۷۹	۲/۸۵	۲/۷۸	۲/۷۵
میانگین مشارکت	۲/۵۹	۳/۰۵	۲/۳۷	۲/۵۵	۲/۵۶	۲/۴۲	۲/۵۱	۲/۴۴	۲/۳۹
میزان تحصیلات	بی‌سواد		ابتدایی		راهنمایی	متوسطه	دیپلم	فوق‌دیپلم	کارشناسی	کارشناسی ارشد
میانگین توانمندی	۲/۲		۲/۶۳		۲/۷۱	۲/۷۹	۲/۸۹	۲/۹۱	۲/۲۳	۳/۱۹
میانگین مشارکت	۱/۹۸		۲/۱		۲/۳۱	۲/۳۷	۲/۵۷	۲/۵۶	۲/۹	۲/۸۷
نوع فعالیت	آزاد		کارمند	کارگر	بازنشسته	بیکار	دانش‌آموز	دانشجو	سرباز	سایر
میانگین توانمندی	۲/۸۹		۲/۹۳	۲/۸۵	۲/۸۴	۲/۵۵	۲/۸۸	۲/۹۴	۲/۷۵	۲/۷۱
میانگین مشارکت	۲/۵۹		۲/۶۸	۲/۶۳	۲/۶۱	۱/۹۸	۲/۵۶	۲/۵۹	۲/۳۳	۲/۲۱

منبع: (محاسبات نگارندگان)

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

توانمندسازی فرایند افزایش ظرفیت افراد یا گروه‌ها برای انتخاب و سوق دادن آن انتخاب‌ها به سوی فعالیت‌ها و پیامدهای مطلوب و مورد علاقه است؛ بنابراین می‌توان گفت در توانمندسازی، مشارکت خودِ افراد و گروه‌ها ضرورت دارد. مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است؛ شرایطی که آنان را بر می‌انگیزاند تا در جهت دستیابی به اهداف مشترک، یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (علوی‌تبار، ۱۳۸۲).

هدف از این پژوهش نیز بررسی رابطه توانمندسازی شهروندان با مشارکت در مدیریت شهر است؛ همان‌گونه که در بخش یافته‌ها اشاره شده است، نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهند میانگین توانمندی شهروندان (۲/۸۲) و مشارکت در مدیریت شهر (۲/۴۶) کمتر از حد متوسط (۳) است. بررسی پژوهش‌های داخلی در حوزه مشارکت نیز نشان می‌دهد میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری در حد متوسط و کمتر از آن است (اصغرپور ماسوله، ۱۳۸۶؛ شفیعی، ۱۳۸۵) و مطالعات کمی، میزان مشارکت شهروندان را در حد بالا گزارش کرده‌اند (عباس‌زاده، ۱۳۸۷)، البته نتایج پژوهش‌های خارج از کشور نیز سطح مشارکت شهروندان را پایین‌تر از حد متوسط نشان می‌دهد (Montalvo, 2008; Larson, Lach, 2008; Lockhart, 2003; Bortoleto, Hanaki, 2007; Marschall, 2007; Etemadi, 2000) که از این جهت یافته‌های این پژوهش را تأیید می‌کنند.

در رابطه با توانمندسازی نیز نتایج مطالعات نشان می‌دهد میزان توانمندی زنان خانه‌دار (خلوتی، ۱۳۸۸)، زنان سرپرست خانوار و کشاورزان (چرمچیان، ۱۳۸۹) پایین است؛ البته برخی از پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند میانگین توانمندی زنان سرپرست خانواری که با شهرداری تهران، کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی در تعامل بوده‌اند بالاتر از حد متوسط است (قلی‌پور، رحیمیان، ۱۳۸۸)

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میان توانمندی شهروندان و مشارکت در مدیریت شهر همبستگی معنادار، مثبت و شدیدی وجود دارد؛ به عبارت دیگر با

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

افزایش توانمندی‌های شهروندان، انتظار می‌رود مشارکت آنها در مدیریت شهر افزایش پیدا کند؛ در واقع با توجه به این که میانگین مشارکت شهروندان، کمتر از حد متوسط است، پیشنهاد می‌شود مدیریت شهری جهت افزایش مشارکت شهروندان، برنامه‌های توانمندسازی در ابعاد مختلف را در دستور کار خود قرار دهد. در این جهت با توجه به پیشینه پژوهش و یافته‌های این مطالعه مبنی بر وجود اختلاف معنادار میان زنان و مردان و پایین‌تر بودن سطح توانمندی و مشارکت زنان، پیشنهاد می‌شود توانمندسازی زنان خانه‌دار و همچنین شناسایی زنان سرپرست خانوار و اقدام برای توانمندسازی آنها به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد.

دقت در نتایج نشان می‌دهد از میان ابعاد سه‌گانه توانمندی، مؤلفه احساس شایستگی دارای بیشترین همبستگی با مشارکت است؛ به عبارت دیگر هر قدر شهروندان از آمادگی، توانایی و مهارت بیشتری برای مشارکت برخوردار باشند، میزان مشارکت افزایش خواهد یافت. هر چند بهبود وضعیت این مؤلفه نیازمند تلاش فردی است ولی به نظر می‌رسد، اقدام مدیریت شهری در جهت فراهم کردن فرصت مشارکت از جمله، اطلاع‌رسانی به شهروندان در رابطه با وظایف شهروندی و همچنین آگاه کردن آنها از بهبودهایی که در نتیجه مشارکت تحقق پیدا کرده است، از طریق تقویت احساس معناداری و مؤثر بودن موجب ترغیب شهروندان به مشارکت شود.

هر چند تمامی شهروندان یک مشارکت‌کننده بالقوه به‌شمار می‌آیند؛ ولی توانمندسازی باعث بینش و بصیرتی عمیق‌تر، دانش و معرفت بالاتر و توانایی و مهارت بیشتر آنها برای مشارکت در امور شهری می‌شود و سبب می‌شود در تعریف موضوعات مربوط به زندگی خود نقش واقعی پیدا کنند و به اهداف متعهد شوند. تعهد به اهداف موجب خواهد شد افراد در جهت دستیابی به اهداف، حتی اهداف مشکل، از خود تلاش بیشتری نشان دهند (Gordon, 1993).

یکی دیگر از یافته‌های مهم این پژوهش، تأثیر منفی بیکاری بر توانمندی و مشارکت است؛ با توجه به این که میانگین نمره افراد بیکار در رابطه با توانمندی (۲/۵۵) و مشارکت (۱/۹۸) در مقایسه با سایر گروه‌ها در پایین‌ترین حد قرار دارد، هر گونه تلاش در جهت ایجاد شغل در منطقه از جمله آموزش‌های کارآفرینی می‌تواند منجر به توانمندسازی و افزایش مشارکت شهروندان شود. در همین رابطه نتایج یک مطالعه از نوع شبه‌آزمایشی نشان می‌دهد ۲۵٪ از زنانی (۱۰۰ نفر) که به مدت ۷۶ ساعت در برنامه‌های مهارت‌آموزی شرکت کرده‌اند، به طور موفقیت‌آمیز وارد بازار کار (خوداشتغالی و مزدبگیری) شده‌اند (طباطبایی، روایی، ۱۳۸۹). یافته‌های مطالعات دیگر نیز نشان‌دهنده آن است که آموزش و طرح‌های خوداشتغالی موجب بروز احساس توانمندی در زنان سرپرست خانوار می‌شود (قلی‌پور، رحیمیان، ۱۳۸۸)

نتایج پژوهش، از یکسو حاکی از وجود رابطه معنادار و قوی میان توانمندسازی شهروندان و مشارکت در مدیریت شهر است و از سوی دیگر نشان می‌دهد سطح توانمندی و مشارکت کمتر از حد متوسط است؛ بنابراین ضرورت دارد، مدیریت شهری برنامه‌های توانمندسازی و جلب مشارکت شهروندان در اداره کردن شهر را در دستور کار خود قرار دهد؛ زیرا هرگونه تلاش برای ارتقای توانمندی‌های شهروندان موجب افزایش سطح مشارکت آنها در مدیریت شهر خواهد شد. در این جهت توجه و تأکید بر ارتقای احساس معناداری، شایستگی و مؤثربودن در برنامه‌های مرتبط با شهروندان و همزمان با آن، فراهم کردن فرصت مشارکت در مدیریت شهر برای شهروندان و اطلاع‌رسانی پیامدها و نتایج مشارکت به آنها موجب بهبود وضعیت خواهد شد.

۵- منابع

آذر، عادل؛ مؤمنی، منصور. (۱۳۸۵). *آمار و کاربرد آن در مدیریت*، جلد دوم: تحلیل آماری، تهران: سمت.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

آلموند، گابریل آبراهام؛ جی، بینگهام پاول جِی‌آر؛ مونت، رابرت‌جِی. (۱۳۸۱). *چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

ابراهیم‌زاده، عیسی؛ کاظمی‌زاد، شمس‌اله. (۱۳۹۲). سنجش میزان رضایت‌مندی و تمایل به مشارکت شهروندان در اجرای پروژه‌های زیربنایی شهرداری. مورد: شهرداری زاهدان. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، (۳۰)۱۱، ۲۲-۱.

اصغرپور ماسوله، احمدرضا. (۱۳۸۶). راه‌کارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان. طرح پژوهشی مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.

باربالت، جی‌ام. (۱۳۸۳). حقوق شهروندی، ترجمه جواد کارگزاری، *نشریه حقوق اساسی*، (۲)۲، ۱۵۰-۱۲۹.

تقوایی، مسعود؛ بابانسب، رسول؛ موسوی، چمران. (۱۳۸۹). تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، (۲)۱، ۳۶-۱۹.

چرمچیان لنگرودی، مهدی. (۱۳۸۹). مدل‌یابی شاخص‌های توانمندسازی روان‌شناختی کشاورزان استان مازندران ایران. *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، (۴)۲۶، ۳۱۴-۳۰۷.

حسینی، سیدهادی؛ قدرتی، حسین؛ جوادیان، سید حمید. (۱۳۹۱). تحلیلی بر جایگاه مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی شهر سبزه‌وار)، چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.

خلوتی، ملیحه. (۱۳۸۸). بررسی میزان توانمندی زنان خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهر شیراز. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، (۴)۲، ۱۷۱-۱۵۳.

دبیرخانه توانمندسازی اجتماع محور. (۱۳۸۴). سند ملی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی.

رحمانی، مریم؛ زندرضوی، سیامک؛ ربانی، علی؛ ادیبی، مهدی. (۱۳۸۷). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان: مطالعه موردی روستای پشت رود بم، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، (۱)۱۸، ۱۳۲-۱۰۵.

رفیعی‌فر، شهرام؛ موذن جامی، محمدهادی؛ رضایی میرقائد، امیدوار؛ غفاری، حسن علی؛ امیرخانی، محمدامیر؛ پارسی‌نیا، سعید؛ مشیدی، احمد؛ رفیعی‌فر، شهرزاد؛ یمانی، سیدتقی؛ شمس، لیلا. (۱۳۸۸). راهنمای جامعه ایمن: توانمندسازی، تهران، نشر شهر.

شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۸۳). طرح پژوهشی شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. دفتر تحقیقات و پژوهش‌های زنان دانشگاه تهران.

شفیعی، شفیع. (۱۳۸۵). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد رودهن.

ضیایی، محمد صادق؛ نرگسیان، عباس، آیباغی اصفهانی، سعید. (۱۳۸۷). نقش رهبری معنوی در توانمندسازی کارکنان دانشگاه تهران. *مدیریت دولتی (دانشگاه تهران)*، (۱)۱، ۸۶-۶۷.

طباطبایی، شهناز؛ روایی، فریبا. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش‌های کارآفرینی و روان‌شناختی بر توانمندسازی شهروندان. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، (۵)۲، ۵۰-۲۹.

طوسی، محمدعلی. (۱۳۸۰). *مشارکت (در مالکیت و مدیریت)*، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

عباس‌زاده، محمد. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی به راهنمایی رسول ربانی و وحید قاسمی، دانشگاه اصفهان.

عبدی دانشپور، زهره. (۱۳۹۰). *درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری*، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی، چاپ دوم.

علوی‌تبار، علیرضا. (۱۳۸۲). *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)*، جلد دوم، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.

فتحی واجارگاه، کورش؛ دیباواجاری، طلعت. (۱۳۸۱). *تربیت شهروندی*، تهران: فاخر.

فنی، زهره؛ صادقی، یدالله. (۱۳۸۸). توانمندسازی حاشیه‌نشینان در فرایند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری. *فصلنامه جغرافیایی آمایش*، (۲)۷، ۷۳-۵۷.

قالیباف، محمدباقر. (۱۳۸۶). حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، تهران: امیرکبیر.

قلی‌پور، آرین؛ رحیمیان، اشرف. (۱۳۸۸). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

سرپرست خانوار، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، (۴۰)۱۱، ۶۲-۲۹.

کلیتون، اندرو؛ اوکلی، پیتر؛ پرات، برایان. (۱۳۸۳). *توانمندسازی مردم، راهنمایی برای مشارکت*. ترجمه پیروز ایزدی، تهران: سلسله انتشارات روستا و توسعه.

کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت؛ و فرخی راستی، زهرا. (۱۳۸۴). پیش‌شرط‌ها و موانع توانمندسازی زنان: مطالعه موردی زنان شهر اصفهان. *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، (۲)۱۹، ۲۰-۱.

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن. (۱۳۹۰). تهران: دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.

مؤمنی، منصور؛ فعال قیومی، علی. (۱۳۸۶). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS*، تهران: کتاب نو.

وحیدا، فریدون؛ نیازی، محسن. (۱۳۸۳). تأملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، *فصلنامه علوم اجتماعی*، (۳)۲۳، ۱۴۵-۱۱۷.

Alsop, R. and Heinsohn N. (2005). Measuring Empowerment in Practice: Structuring Analysis and Framing Indicators, World Bank Policy Research Working Paper 3510. Available at: http://elibrary.worldbank.org/

Alsop, R., Bertelsen, M. and Holland, J. (2006). Empowerment in practic: *From Analysis to Implementation*. The World Bank

Aucoin, P. (1996). *The New Public Management: Canada in Comparative Perspective*. Montreal, Canada: Institute for Research on Public Policy.

Bortoleto, A. P. and Hanaki, K. (2007). Report: Citizen Participation as a Part of Integrated Solid Waste Management: Porto Alegre case, Department of Urban Engineering, The University of Tokyo, Tokyo, Japan.

Dewey, J. (1997). Democracy and Education: An Introduction to Philosophy of Education, Bebook. Available at://www.mybebook.com.

Elwood, S. (2002). GIS use in community planning: A multidimensional analysis of empowerment. *Environment and Planning, 34*(1), 905–922.

Etemadi, F. U. (2000). Civil Society participation in city governance in Cebu City, *Environment and Urbanization, 12*(1), 57-72.

Gordon, R. (1993). *A Diagnostic Approach to Organizational Behavior*, U.K.: Allyn and Bacon.

Hansen, M.K. (2004). Deliberative Democracy and Opinion Formation, Odense. University of Southern Denmark.

Harber, C. (2006). Democracy, Development and Education: Working with the Gambian Inspectorate, *International Journal of Educational Development, 26*(1), 618-630.

Hutching, K. (1999). *Cosmopolitan Citizenship*, McMillan.

Johnson, J. V. (1997). Empowerment in future work life, *Scand J Work Environment Health, 23*(4), 23-27.

Kabeer, N. (1999). Resources, agency and achievements: Reflection on the measurement of women's empowerment, *Development and Change, 30*(1), 435-464.

Kim, J. C., Watts, C. H., Hargreaves, J. R., Ndhlovu, L. X., Phetla, G. Morison, L. A., Busza, J., Porter, D. H. and Pronyk, P. (2007). Understanding the impact of a microfinance-based intervention on women's empowerment and the reduction of intimate partner violence in the IMAGE Study, South Africa. *American Journal of Public Health*, *97*(10), 802-1794.

Kwaku K. and Peter A. (2004). Power, participation, and inflexible institutions: An examination of the challenges to community empowerment in participatory GIS applications, *Cartographica, 38*(3,4), 5–18.

Larson, K. L. and Lach D. (2008). Participants and non-participants of place-based groups: An assessment of attitudes and implications for public participation in water resource management, *Journal of Enviromental Management, 88*(1), 817-830.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]

Lockhart, S. M. (2003). Factors affecting participation in city recycling programs. A thesis submitted to the graduate faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College for the degree of Master of Science in the Department of Environmental Studies B. S., Niagara University.

Malhotra, A., Schuler, S. R. and Boender, C. (2002). *Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development*., Gender and Development Group of the World Bank.

Marschall, J. (2007). *Citizen Participation and the Neighborhood Context: A New Look at the Co-production of Local Public Goods*, The University of Utah: Sage.

Mikel, R. E. (2000). *Deliberating Democracy, In Joseph, B., Pamela (ET): Cultures of Curriculum*, London: Lawrence Erlbaum Associates Publisher.

Montalvo, D. (2008). *Citizen Participation in Municipal Meetings*, American Barometer insights.

Narayan, D. (2005). Measuring Empowerment, Cross-Disciplinary Perspectives. Washington, D. C: The World Bank.

Nicholson, N., Schuler, S. and Van de Ven A. (1995). *The Blackwell Encyclopedic Dictionary of Organizational Behavior*, Oxford, England: Basil Blackwell Ltd.

Pahl, W. (2005). Information, public empowerment, and the management of urban watersheds, *Environmental Modelling and Software, 20*(1), 457-467.

Peters, B., Guy and Pierre, J. (2000). Citizens versus the new public manager: the problem of mutual empowerment, *Administration and Society, 32*(1), 9–28.

Sastry, K. R. (1997). Participation, Connotation and Contact, Asia-Pacific, *Journal of Rural Development, 1*(1), 12-20.

Sleeter, Ch. (2008). Equity, democracy and neoliberal assaults on teacher education, *Teaching and Teacher Education*, *24*(2), 1947-1957.

Spreitzer, G. M. (1995). Psychological empowerment in the workplace: Dimensions, measurement, and validation, *Academy of Management Journal*, *38*(5), 1442-1465.

Srinivas, H. (2006). *Use of Internet for Citizen's Participation in Urban Management: A View from Japan*. Tokyo Institute of Technology.

Timberg, T. (1995). The poor versus the disenfranchised; Welfare versus empowerment. *Economic Development and Cultural Change*, *43*(1), 651-663.

Turner, B. S. (2000). *Citizenship and Social Theory*. London: Sage.

United Nations. (1990). *Participatory Rural Development in Selected Contries, Emergency Committee on Integrated Rural Development for Asia & Pacific*, United Nations.

Wee, V. and Shaheed, F. (2008). *Women Empowering Themselves: A Framework That Interrogates and Transforms Hong Kong*: The Research Programme Consortium on women's Empowerment in Muslim Contexts: Gender poverty and democratisation from the inside out, South Asia Research Centre, City University of Hong Kong.

Wilson, P. (1996). Empowerment: community economic development from the inside out. *Urban Studies*, *33*(4,5), 617-630.

World Bank (2002). Empowerment and Poverty Reduction: A Sourcebook. Available at: wdronline.worldbank.org.

World Health Organization. (1998). Health Promotion Glossary, Availabale at: http://whqlibdoc.who.int/

Yang, C. and Shu, Liu, F. Shu (2005). The Study of interactions and attitudes of third-grade students' learning information technology via a cooperative approach, *Computers in Human Behavior*, *21*(1), 45-72.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1392.1.3.6.6]